

I saw Sahar when I was at Mina's house.	وقتی خونه مینا بودم سحر رو دیدم
This is very important.	این خیلی مهمه
Did anybody else call?	آیا کس دیگه ای تلفن کرد؟
You can use a public phone.	میتونی از یه تلفن عمومی استفاده کنی
I always took the bus.	من همیشه اتوبوس میگرفتم (سوار میشدم)
I knew nobody there.	من اونجا هیچ کس رو نمیشناختم
We got here about two o'clock.	ما حدود ساعت دو رسیدیم اینجا
Everybody knows about that.	همه از اون جریان خبر دارن
About half an hour ago	حدود نیم ساعت پیش
I'll call you back.	من بهت تلفن خواهم کرد
I took my sister to the airport.	خواهرم رو بردم فرودگاه

Everyone knows my brother.	همه برادرم و میشناسن
Did Ali tell you?	آیا علی بهت گفت؟
That his sister's coming.	که خواهرش داره میاد؟
Did Ali tell you that his sister's coming?	آیا علی بهت گفت که خواهرش داره میاد؟
Yes, he told me yesterday.	آره، دیروز بهم گفت
I knew that already.	از قبل اینو میدونستم
How did you know that?	چطور اونو میدونستی؟
Last week	هفته پیش
When I was at Ali's house.	وقتی که خونه علی بودم
Last week, when I was at Ali's house.	هفته پیش وقتی خونه علی بودم
His sister called.	خواهرش زنگ زد
She told Ali.	اون به علی گفت
That she's planning to come here.	که برنامه داره بیاد اینجا
Is she coming alone?	آیا داره تنها میاد؟
No, her uncle's coming, too.	نه، عموش هم داره میاد
Doesn't her uncle live in France?	مگه عموش تو فرانسه زندگی نمیکنه؟
Yes, he does.	جواب مثبت کوتاه
How will they be on the same flight?	اونها چطور توی یه پرواز خواهند بود؟
Sahar's flight is from Tehran to Paris.	پرواز سحر از تهران به پاریسه
Her uncle will be there.	عموش اونجا خواهد بود
When Sahar arrives in Paris.	وقتی که سحر به پاریس برسه
From there	از اونجا
They'll be on the same flight.	اونها تو یه پرواز خواهند بود

To Los Angeles They'll be on the same flight to Los Angeles.	به لس آنجلس اونها تو یه پرواز به لس آنجلس خواهند بود
Have you seen my wallet? No, why? I can't find it.	کیف پولمو دیدی؟ نه، چرا؟ نمیتونم پیدااش کنم
When was the last time you saw it? When I went to the mall yesterday.	آخرین بار کی بود دیدیش؟ وقتی دیروز رفتم پاساژ
I remember that I still had it. But since yesterday I haven't seen it anymore.	یادم میاد که هنوزم داشتمش ولی از دیروز دیگه اونو ندیدم (ندیده ام)

مکالمه

سلام.

A: Hello.

بله، میتونم با مینا صحبت کنم لطفاً؟

B: Yes, can I speak to Mina, please.

مینا صحبت میکنه.

A: Mina's speaking.

سلام مینا.

B: Hello, Mina.

سلام، میتونم بپرسم کی تماس گرفته؟

A: Hi, can I ask who's calling?

اسم من جان اسمیته. شما کیف پولتون رو گم کردید مینا؟

B: My name is John Smith. Are you missing your wallet, Mina?

آره. چطور میدونید؟

A: Yes. How do you know that?

من توی پاساژ کار میکنم. فکر میکنم بعد از اینکه شما دیشب شامتون رو خوردید، کیف پولتون رو اینجا جا گذاشتید.
امروز بازش کردیم، و شماره تلفنتون رو دیدم. به همین خاطر باهاتون تماس گرفتم.

B: I work at the mall. I think after you had your dinner last night, you left your wallet here.

We opened it today, and saw your phone number. That's why I'm calling you.

اوه، خیلی ممنونم آقا. الان با شوهرم داشتم دربارش حرف میزدم. واقعاً نمیدونم چطوری ازتون تشکر کنم.
A: Oh, thank you very much, sir. I was just talking to my husband about it. I really don't know how to thank you.

درسته. میخوايد الان برش داريد؟
B: That's all right. Do you want to pick it up now?

بله لطفاً. من ظرف چند دقیقه اونجا خواهم بود.
A: Yes, please. I'll be there in a few minutes.

عالیه.
B: Great.

Did anybody call me? Yes, a man called you. About an hour ago	آیا کسی به من تلفن کرد؟ آره، به آقای بهت تلفن کرد حدود یه ساعت پیش
Did he leave his name? Yes, his name was James.	اسمشو گذاشت؟ آره، اسمش جیمز بود
I don't know anybody by that name. But he told me that you know him.	من کسی رو به اون اسم نمیشناسم ولی اون بهم گفت که تو میشناسیش
I knew a James in college. But that was a long time ago.	من یه جیمز تو دانشگاه میشناختم ولی اون خیلی وقت پیش بود
He'll call again	اون دوباره تلفن میکنه (خواهد کرد)
If there something important. Important He'll call again.	اگه چیز مهمی باشه مهم اون دوباره تلفن خواهد کرد
If there something important.	اگه چیز مهمی باشه
Did anybody else call? Anybody else	کس دیگه ای تلفن کرد؟ کس دیگه ای
Your brother called, too. But I wasn't in the office. He left a message.	برادرت هم تلفن کرد ولی من تو دفتر نبودم اون پیام گذاشت
Is your cell phone with you? No, it isn't.	موبایلت باهاته جواب منفی کوتاه

I have to call my sister. Can't you call her later?	باید به خواهرم تلفن کنم نمیتونی بعداً باهاش تماس بگیری؟
No, it's something important.	نه، چیز مهمیه
You can use a public phone.	میتونی از یه تلفن عمومی استفاده کنی
Public phone	تلفن عمومی
Public restroom	دستشویی عمومی
Public park	پارک عمومی
Public holiday	تعطیل عمومی
Public library	کتابخانه عمومی
I was thirty years old. When we came to Tehran.	من سی سال داشتم وقتی ما به تهران اومدیم
Tehran was different at that time.	تهران اون زمان فرق داشت
We didn't have a car. I always took the bus.	ما ماشین نداشتیم من همیشه اتوبوس می‌گرفتم (سوار میشدم)
I didn't know anybody there. I knew nobody there.	من کسی رو اونجا نمیشناختم
What's the meaning of nobody? What does nobody mean? It means.... I knew nobody there.	من اونجا هیچ کسی رو نمیشناختم
Nobody	هیچ کس
Did anybody call? No, nobody called.	کسی تلفن کرد؟ نه هیچ کس تلفن نکرد
Nobody came to visit me. When I was sick. Nobody came to visit me when I was sick.	هیچ کس نیومد از من دیدن کنه وقتی مریض بودم هیچ کس نیومد از من دیدن کنه وقتی مریض بودم
You have an important call. Don't you want to answer it?	شما یه تلفن مهم دارید نمیخواید جوابشو بدید؟
Ask who it is? It's your friend James.	بپرس کیه؟ دوستتون جیمزه
The same James that called a few days ago.	همون جیمزی که یه چند روز پیش تلفن کرد.

Let me talk to him. Take his message	بذار باهاش حرف بزنم پیغامشو بگیر
Did you take his message? Yes, I took his message.	پیغامشو گرفتی؟ آره، پیغامشو گرفتم
Mina took your car.	مینا ماشین تو رو برداشت
It took me two hours to get here.	دوساعت واسم طول کشید تا بیام اینجا
What time did you get here? We got here about two o'clock.	چه ساعتی رسیدید اینجا؟ ما حدود ساعت دو اومدیم اینجا
Ali and Mina don't live together anymore. Does anybody else know about that?	علی و مینا دیگه با هم زندگی نمیکنن آیا کس دیگه ای از این جریان خبر داره؟
No, nobody else knows about that. Yes, everybody knows about that.	نه هیچ کس دیگه ای از اون جریان خبری نداره آره، همه از اون جریان خبر دارن
What does every body mean? What's the meaning of everybody? It means.... Everybody knows about that.	همه کس (همه) از اون جریان خبر دارن
That's not important. I think we should do something.	اون مهم نیست فکر میکنم بایستی کاری انجام بدیم
They're both nice people.	اونا هر دو آدمای خوبی هستن
How did you know about that? Sahar called me. She told me.	چطور از اون جریان خبر داشتی؟ سحر باهام تماس گرفت اون بهم گفت
When? About half an hour ago	کی؟ حدود نیم ساعت پیش
Half	نیم (نصف)
Two and a half Two and a half hours	دو و نیم دو ساعت و نیم
It took three and half hours. To fix your car	سه ساعت و نیم طول کشید درست کردن ماشینت
Half an hour Half an hour ago	نیم ساعت نیم ساعت پیش

Call me at work tomorrow.	فردا سر کار بهم تلفن کن
You're not in your office. Most of the time	تو توی دفترت نیستی اکثر اوقات
You're not in your office most of the time.	تو اکثر اوقات توی دفترت نیستی
I have an answering machine in my office. You can leave a message.	من یه پیام گیر توی دفترم دارم میتونی پیام بذاری
And I'll call you back. I'll call you back.	و من بهت تلفن خواهم کرد

مکالمه

سلام جیم. من دیروز بهت زنگ زدم، و واست پیام گذاشتم. پیامم رو گرفتی؟
A: Hi, Jim. I called you yesterday, and I left a message. Did you get my message?

آره، پیامت رو دریافت کردم. ببخشید باهاتون تماس نگرفتم.
B: Yes, I got your message. I'm sorry I didn't call you back.

اشکالی نداره. میخواستم بدونم شما کسی رو میشناسید به زودی بره ایران؟
A: That's okay. I wanted to know if you know anybody who's going to Iran soon.

دخترم داره میره اونجا.
B: My daughter's going there.

واقعاً؟ کی داره میره؟
A: Really? When's she going?

اون برنامه داره ظرف یه چند هفته بره.
B: She's planning to go in a few weeks.

من نمیتونم این مدت صبر کنم. من یه نامه مهم دارم که بایستی بره ایران. نمیتونی چه کس دیگه ای میره ایران؟
A: I can't wait that long. I have an important letter that should go to Iran. Don't you know anybody else who's going to Iran?

صبر کن. فکر کنم والدین دوست پسرم آخر این هفته دارن میرن ایران.
B: Wait! I think the parents of my son's friend are going to Iran this weekend.

اونها رو میشناسی؟
A: Do you know them?

اونها رو دیدم، ولی خوب نمیشناسمشون. فکر میکنم اونا میتونن نامت رو ببرن ایران. یادمه پارسال وقتی واسه ملاقات پسرشون اینجا بودن، خانمم یه نامه واسه والدینش داشت، و اونها بردنش ایران.

B: I've seen them, but I don't know them well. I think they can take your letter to Iran.

I remember last year when they were here visiting their son, my wife had a letter for her parents, and they took it to Iran.

عالیه جیم. من اونجا خواهم بود ظرف نیم ساعت.

A: That's great Jim. I'll be there in half an hour.

اوکی. به زودی میبینمت.

B: Okay. See you soon.

بای.

A: Goodbye.

Ali left a message for you.

علی واست پیغام گذاشت

Ali left you a message.

Did anybody else call?

کس دیگه ای تلفن کرد؟

Yes, your sister called.

آره، خواهرت زنگ زد

She wanted you call her back.

اون خواست که بهش تلفن کنی

I have an important meeting.

من یه جلسه مهم دارم

In half an hour

در ظرف نیم ساعت

Everybody in this room is from Iran.

همه توی این اتاق اهل ایرانند

Everyone in this room is from Iran.

The door was open when I came here.

در باز بود وقتی من اومدم اینجا

The door was open when I got here.

Please answer my letter.

خواهش میکنم به نامم جواب بده

When you have time.

وقتی وقت داشتی

Important
 Else
 Anybody else
 Nobody else
 Public
 Public restroom
 Took
 Take
 Took
 Look
 I took the bus.
 Half
 Half an hour
 Half an hour ago
 Where
 Where were you?

There's a public phone over there.
 Public library

یه تلفن عمومی اوناهاش اونجاست
 کتابخونه عمومی

Where were you?

کجا بودی؟

I took my sister to the airport.
 I took the children to the movies.

خواهرمو بردم فرودگاه
 بچه ها رو بردم سینما